جایگاه فاخر روحانیت

 در دهه‌های اخیر، روحانیت با شیوه‌های تکنیکی و مسموم، مورد هجمه‌ی اصحاب کم‌دانش نقد و جنود عناد رسانه‌ای شیطانی قرار گرفته است. این صنف محترم و عالم، اگر چه همیشه در کنار درخشندگی‌ها، مظلومیت‌ها و خدمات گرانی که به جامعه کرده، معایبی هم داشته، اما نه بطریقی منصصفانه مدیدی است بطور دژخیمانه مورد اهانت و جسارت و تهمت واقع شده‌اند.

 نگارنده که خود روحانی و مفتخر به خدمت لباس اهل علم است، از منتقدان بی‌پروای صغیر و کبیر این قشر بوده و فارغ از اینکه خود از همین جامعه است و عمری را در حوزه‌های علمیه به تدرس و تدریس و تحقیق گذرانده، اما همواره بدون لحاظ تعلق خاطر به آن، آن را نقد کرده است و نارسایی‌ها، کژکارکردها، خبط و خطاها و خودشیفتگی‌های ناخواسته و قدر و قیمت یافتن‌های ناروا را درباره‌ی ایشان گفته و نوشته است. آن گونه که اگر خواننده نداند قلم از آن یک روحانی است، گمان می‌دارد ناقدی بی‌رحم بر این نهاد خوش‌خرام طوفیده و در دلش اندک محبتی و مسامحتی با ایشان نیست.

 اما و صد اما، نقد و پیشنهاد، اگر از ضمیر عادل و حدس صائبی برخیزد، اندیشناک دفع و رفع بی‌انصافی‌ها و تهمت‌ها نیز هست. باید این تهمت‌ها را زدود و از حق دفاع کرد. باید توجه داشت «روحانیت، یعنی جامعه انبوه روحانیان و نه بخش و اندکشمار ایشان»، «روحانیت: یعنی اکثریت مطلق جمعی که تابع قاعده، با زی روحانیت زندگی می‌کنند و نه فلانی و فلانی که از این زی فاصله گرفته‌اند»، خوب و محترم و نامتهم بودن معلمان و روحانیان، با نامحترم و مجرم شدن برخی از معلم‌نمایان و روحانی‌نمایان نقض نمی‌شود. داوری‌های ژورنالیستی و عوام‌گرایانه و تعمیم‌دادن موارد استثنا بر قاعده، از تلبیسات شیطانی و مغالطات منطقی است.

 به روحانیان تهمت می‌زنند که پس از انقلاب، ثروت اندوختند و خزانه‌ها را دوشیده‌اند! دروغ است. عالمان دین، اگر بهبودی‌هایی در زندگی یافته‌اند به موازات بهبودهای زندگی مردم بوده است. اگر برخی از روحانیان زندگی مرفهی پیدا کرده‌اند، به تبع کار فراوان و سمت اجتماعی خود به رفاه بیشتر رسیده‌اند. گاهی استاد دانشگاه، گاه نماینده مجلس، گاه مدیر و مانند آن بوده‌اند و تبعا گشایشی در زندگی‌شان بوجود آمده است. با این حال عموما زندگی معقول و متوسطی دارند.

اکثر قریب به اتفاق طلاب و روحانیان، با شرایط فقیرانه و معیشت دشوار روزگار می‌گذرانند. شهریه اندک در برابر مسئولیت دشوار «تا آخر عمر تحصیل و تبلیغ دین کردن» و «اداره کردن زندگی و عیال» از جمله مخاطرات زندگی ایشان است. اینکه یک روحانی، بحکم آداب‌دانی، ظاهری آراسته دارد و با تدبیر دشوار، حداقلی از نیازمندی‌های زندگی خود را تأمین می‌کند، گاه اطرافیان و عابران را به شبهه می‌اندازد.

فرضا که یک روحانی این امکانات را در حدی بهتر از متوسط جامعه فرآهم کرده باشد، باز هم اشکالی نیست و هیچ اتهام و بدبینی، روا و اخلاقی نیست.

 روحانیان خدمات تبلیغی و ترویجی خودشان را رایگان به مردم ارائه می‌کنند. اینکه یک روحانی برای اداره مسجد یا انجام سخنرانی حق‌القدم می‌گیرد، مطلقاً مبلغی نیست که بتواند با آن زندگی خود را بسازد و مالی بیاندوزد. اولاً این مبالغ را مردم خودشان دل‌بخواه می‌پردازند و روحانیان قاعدتاً مطالبه‌ای ندارند. این مبالغ را اتفاقاً خیلی مبارک و متبرک می‌دانند و همین‌طور هم هست. روحانی اگر از مسجد و منبر و شهریه ارتزاق کند، خیلی آزادانه‌تر می‌تواند تبلیغ رسالات کند تا اینکه به ارگانی وابسته باشد.

همینک، شما روحانیان را با پزشکان مقایسه کنید. یک پزشک با پانزده سال درس خواندن برای هر ویزیت ده دقیقه‌ای، با نوبت و گاه منت، از ۵۰ تا ۱۵۰ هزار تومان می‌گیرد. اکثر پزشکان برای بیماران دل نمی‌سوزانند، دغدغه سلامتی جامعه را ندارند و خیلی از پزشکان شیادند. صنف پزشکان محترمند اما خدماتشان را ارزان در اختیار نمی‌گذارند. اما شما می‌توانید ساعت‌ها از روحانیان بی هیچ منت و پرداخت مزدی، مسائل و معارف دین را بپرسید و او نه فقط خود را موظف به پاسخ می‌داند، بلکه می‌کوشد اشتباه‌فهمیدگی‌های شما را نیز برطرف کند. امروزه دسترسی مردم به پیچیده‌ترین مسائل و معارف و دروس اسلامی، فوق‌العاده آسان و رایگان است.

 تهمت می‌زنند که روحانیان شهریه می‌گیرند، کار نمی‌کنند، سربازی هم نمی‌روند! چرا؟ (چون مفت‌خور هستند) دروغ است. اگر این شرایط برای اشکال کننده نوعی امتیاز ناعادلانه است، بسم‌الله بیایید از این امکانات سرشار برخوردار شوید! چرا نمی‌آیید؟ شهریه طلبه را بگیرید و درس‌های موظفی او را بخوانید و سربازی هم نروید ببینیم چقدر می‌توانید دوام بیاورید! طلبه اگر بخواهد خوب درس دین بخواند، نمی‌تواند مانند دیگران تمام وقت کار کند. امر تفقه دین یک واجب کفایی است، او نرود دیگری باید برود.

شهریه طلبه، حجره و اقامت و دیگر امکانات عمدتاً از دل یاری‌های مؤمنان جامعه و نهادهای مذهبی برای اقامه دین، ناشی می‌شود. کور شود او که نتواند دید! اگر مستشکلان می‌گویند این‌ها سوء استفاده و راحت‌طلبی و ویژه‌خواری است: بسم‌الله بفرمایید درسش را بخوانید، ده سال سطح بخوانید، ده سال درس خارج بروید و ملا بشوید و با اندک درآمد، تا آخر عمر خدمت کنید ببینیم می‌توانید یا نه؟! لازم به ذکر است که ما حوزویان، اساساً طلبه‌ای که ده سال در حوزه درس خوانده را اصلا درس‌خوانده نمی‌دانیم! پانزده سال درس خواندن هم سوادی حساب نمی‌شود. در حوزه باید دستکم بیست سال خوب درس بخوانید تا اصلاً بتوانید در مجمع علمی سطح بالا حرف بزنید و حرفتان را گوش بدهند. اندازه تحصیل لیسانس و فوق‌لیسانس و دکترا، اول کار روحانی است. لیسانس یک آب بازی با دریای علم هم حساب نمی‌شود.

 می‌گویند مشکلات کشور زیر سر روحانیت است. دروغ است. مشکلات فرهنگی و معارفی و نیز بخشی از نارسایی‌های علومی، با حوزه و نظام آموزشی و معرفتی حوزه مرتبط هست اما عمده مشکلات فرهنگی و اقتصادی کشور از کم‌دانشی، کم‌تجربگی، سوءمدیریت، تلاش بی‌وقفه نظام سلطه، تبلیغات دشمن، کارشکنی‌های عناصر نفوذی، رکود عالم و علم در دانشگاهیان و بیرگی و کم‌غیرتی دیگر نخبگان جامعه و آسیب‌های جدی در رفتار عمومی مردم ناشی می‌شود. در این میان آیا روحانیت هیچ نقشی در بروز و دوام مشکلات نداشته است؟ بله داشته است. ایشان هم بشرند. قصور بشری دارند و اما قاطبه روحانیان، خیرخواه، صادق و خدومند. کم‌تجربگی دارند و البته گاهی هم در شنیدن معایب و نواقصشان تعلل و تنبلی و خودشیفتگی داشته‌اند. گاهی از روی غیرت دینی، کاری را بخطا انجام داده‌اند و باید در مقام و منصب و نقش اجتماعی خود، پاسخگو باشند. اما این دروغ و تهمت است که مشکلات کشور معلول تصمیمات روحانیت است.

 در همین جا، مناسب است نکته بسیار مهم و حساسی را متذکر شوم و آن اینکه گاهی روحانیان، خودشان را بی‌خود وکیل مدافع عملکرد دولت‌ها می‌دانند و به خطا احساس مسئولیت پاسخگویانه دارند و همین باعث می‌شود درست در میدان دشمنان بازی کنند. مثلاً در فلات ایران، کم‌آبی و هدررفت آب وجود دارد. کاهش نزولات هم مزید بر علت شده است. حال در جامعه این کمبود، باعث اعتراضات شده است. روحانیان مطلقاً وکیل مدافع و پاسخگوی سوء مدیریت‌های دولت‌ها و رییس جمهورها نیستند. روحانیان متولیان آب نیستند. مسئول باران هم نیستند. روحانیان، خودشان مانند بقیه مردم، مطالبه‌گران رفتار صحیح مسئولان در ادوار مختلف‌اند. روحانی می‌تواند به رسانه‌ها امر و توصیه کند در مورد مصرف آب در منازل، صنعت و کشاورزی کار فرهنگی و گفتگوی علمی برگزار کنند، می‌تواند سیاست‌ها و برنامه‌های حل معضل آب را از دستگاه‌ها بخواهد، می‌تواند اقدامات خطا و عدم اقدام‌های دستگاه‌ها را به دستگاه‌های نظارتی و قضایی معرفی کند، می‌تواند برای افزایش نزولات نماز بخواند و دعا کند. خب همه مردم می‌توانند و باید این کارها بکنند... اینکه روحانی را مسئول بدانیم و تهمت بزنیم، گرای دشمن است. گاهی خود روحانیان هم خودشان را مسئول این نارسایی می‌دانند!! مسئول این مشکل دستگاه‌های متصدی، بدنه علمی و اجرایی مدیریت آب و فرهنگ عمومی و تخصصی مصرف آب است. بله اگر سیاست‌های نظام بطور کلان در مسئله نقش اساسی و مؤثر داشته باز هم مشکل ربطی به روحانیان ندارد. روحانیان گوشت قربانی نیستند که هر جا مشکل پیش آمد آنان را به باد تهمت بگیریم و در پی سم‌پاشی‌های دشمنان، آنان را متهم کنیم. مشکل آب متولی دارد: بدنه دانشگاهی متخصص در علوم مرتبط به آب، بدنه اجرایی مرتبط با حل معضلات آب. همین. باید از آنان مطالبه کرد. روحانیان اعم از رهبر، مراجع عظام ، نمایندگان ولی فقیه در استان‌ها، طلاب و اساتید حوزه، خودشان مانند بقیه مردم مطالبه‌گر هستند. بله گاهی سوء برخورد هست. یک نماینده ولی فقیه بلد نیست دل مردم را بدست بیاورد، یکی دیگر نمی‌داند چگونه مطالبه کند، دیگری تفسیر دینی می‌کند و

تقصیر را بر عهده گناهان مردم می‌اندازد و مانند آن... این‌ها را دشمنان بزرگ می‌کنند و چون زخم هم هست مگس شبهات، هم گرد آن جمع می‌شود. در حالی که اولاً اعتراض و مطالبه بحق، حق همه مردم و از جمله خود رهبر و روحانیان است. ثانیاً گناه مردم و دولتمردان و اساسا رخداد گناه در کاهش برکات مؤثر است (اگر کسی این را فهم نمی‌کند، سواد ندارد) کاهش نزولات، سال‌هاست که بوده و دلیل نمی‌شود دستگاه‌ها و متخصصان امر، تدبیر نکرده باشند. آیا تکنولوژی انتقال و تصفیه و هدایت آب و آبخیزداری هم با کاهش نزولات مرد؟! متخصصان و تخصص جهانی آب، این‌قدر دچار کمبود و ناتوانی بوده است؟ دولتمردان از ظرفیت‌ها بقدر کافی استفاده کرده‌اند؟ سیاست‌های کلی نظام ایراد داشته؟ برنامه‌های عملیاتی اشکال داشته؟ همه این‌ها قابل بحث و طرح و پی‌گیری است. باز هم از دل این‌ها این بیرون نمی‌آید که بله حوزویان، مسئولند یا روحانی ارجمند و خطیب نماز جمعه خودش را موظف به دفاع بداند. این یک مصداق از مصادیق بی‌شمار است. البته و صد البته در نظام اسلامی و تعاملات برادران دینی، نباید مچ‌گیری باب شود ولی وقتی دارد صنف روحانی مظلوم این وسط قربانی می‌شود وظیفه است، انسان از حق دفاع کند. اتفاقاً در معضلات آب، دانشگاهیان در تخصص‌های مربوط و دستگاه‌های اجرایی مربوط را باید فراخواند و وارسی و آسیب‌شناسی کرد. در مصیبت آپارتمان‌سازی هم، معماران کشور مسئولند. اما دشمن و رسانه‌ها هر کمبودی که پیدا می‌شود، تقصیر رهبر و روحانی و حوزه و طلبه می‌دانند!! این عین مغالطه و دشمنی است. بله هر جا نقدی هست و لو به شخص رهبر، باید استدلال علمی و قابل ابطال، براحتی گفته شود و به بحث گذاشته شود. این غیر از به رگبار بستن حوزه و روحانیت است. در عین حال روحانیان نیز باید گوش شنوایی برای شنیدن نقدها داشته باشند و «بگذارند تحلیل‌هایی که بین مشکلات کشور و رفتار ایشان، رابطه معناداری را تبیین و اثبات می‌کند را خوب بشنوند.»

حمید رجایی

زمستان ۱۴۰۰